

حصر صادق علیه السلام بمر بواسطه آباء طاهرینش موصول بحصرت رسالت ص گردید  
 حمزه بسیار راهد بود ، اصلاً در قبال تعلیم قرآنی احرثی نمیگرفت ، حتی در خانه کسی  
 که از وی قرائت قرآن را یاد می گرفته آبی هم نمیخورد ، شبها بسیار کم می خوابید و  
 ماهی بیست و پنج مر سه حتم قرآن میکرد حمزه اولین کسی است که در متشابهات قرآن  
 تألیف کتاب کرده است ، بمر او و ابان بن بعلب بحسین کسی هستند از شیعه که در علم  
 قرائت بتألیف کتاب پرداخته اند حاجبه اولین کسی که از عاقله در علم قرائت تألیف کرده  
 همانا ابوعبید قاسم بن سلام آتی الترحمة است از تألیفات حمزه است

۱- اساع القرآن ۲- حدود آی القرآن ۳- المرائص ۴- قرائة حمزة ۵- متشابه  
 القرآن ۶- مقطوع القرآن و موصوله ۷- الوقف والابتداء فی القرآن ایسکه سیوطی  
 ابوالحسن کسائی را بحسین کسی دانده که در موضوع متشابه قرآن تألیف داده استناه و عقلت  
 از حقیقت حال است زیرا که کسائی سال ۱۸۲ هـ ق وفات یافته و وفات حمزه سال ۱۵۶ هـ  
 قمری در همداد و شش سالگی و یا سال ۱۵۴ یا ۱۵۵ بوده است اما ریات گفتن او همانا  
 بحسبت آن بوده که شعل ربت فروشی دانسته ، آن را از کوفه بحلوان میرد و از حلوان بمر  
 پیر و گردو بکوفه میآورد

(ص ۲۶۳ و ۴۴ و ۱۸۴ ح ۱ کا و ۲۸۹ ح ۱ حم و ۱۱۳ لس و عره)

در اصطلاح رحالی ، لقب شرفشاه بن محمد حسینی میباشد و  
 شرح حالش در آن علم است

ر ناره

حسن بن علی ریتوبی - شرح حالش موکول بکتب رحالیداست

ر رتوبی

در اصطلاح رحالی احمد بن محمد ، عبدالعزیز بن اسحاق ،

ر ریدی

عمران بن موسی ، محمد بن عمر ، یرید بن سلیط و غیر ایشان

بوده و شرح حال ایشان موکول بدان علم است

عنوان مشهوری فرقه ایست که نامامت رید بن علی بن الحسین ع

ر ریده

معتقد میباشد ، رید مدکور را بقتل رساندند و در کماسه کوفه

بدارش کردند احوار دیشیه در باره وی مختلف است ، بعضی از آنها بر دم و فدح وی و

برخی دیگر صریحاً بعلو مقام و حالات قدر وی دلالت دارند و بهمین جهت انظار علمای

رحال بیر دربارۀ وی مختلف می باشد، لکن سایر تحقیقات لارمه که در کتب مربوطه نگارش یافته مقامش عالی و حروح او بطور صحیح بوده و بهی از جهاد و حروح او را که در بعضی آرا آثار دینیّه از حضرت ناقرع وارد است حمل بر تقیه و اظهار شفقت نماید نه بحیث حرمت داتیه اش بوده لکن کلام حقیقت انتظام آن حضرت مؤثر شده و امر منتهی بقتل وی گردید و تحقیق را بد موکول بکتب مربوطه می باشد

فرقه ریدیه بیر سام تریّه و حارودیه (سرحویّه) و صالحیه و سلیمانیه و غیر هم بچندین شعبه مسعب می باشد، حارودیه که سرحویّه بیر گویند در محل خود نگارش یافت صالحیه شعبه ایست از ریدیه که ابوبکر و عمر را بیر امام دانسد سلیمانیه شعبه ایست که ابوبکر و عمر را حلیفه و امام دانسد و ایشان امام سلیمان بن حر بر هستند که وی امامت را بشوری انداخته و معتقد بود بر اینکه امامت با دونه مرد بیکوکار از احیاء مسلمین بیر منعقد می باشد اگر چه دربارۀ معصوم باشد، عثمان را بحیث افعال با ناست و باره ای افعال غیر منتظره او و عایشه و طلحه و زبیر و اصحاب حمل را بر سب مقابله و مقابله با حضرت امیر المؤمنین ع تکمیر نماید نثره شعبه ایست از ریدیه که اساع معیره بن سعد ملقب با نثر می باشد و همانا نثریه گفتن ایشان بیر (که حرف اول آن با احدی مکسور یا مصموم و حرف دویمش ت قرشت ساکن است) بحیث انتساب بمعیره اثر و یا بحیث آن است که بروایت کشی، حمعی برد حضرت نافر علیه السلام عرص کردید که ما علی و حسن را دوست داشته و اردشمان ایشان نثری می کنیم حضرت صدیق کردید پس گفتند که ابوبکر و عمر را بیر دوست داشته و اردشمان ایشان نثری می کنیم در این حال رید بن علی ع که حاضر بوده گفت انراون من فاطمة نثرتم امرنا نثرکم الله اینک از آن روز سعد به نثریه موسوم شدند بعضی احتمال داده اند که حرف اول نثریه ت قرشت و حرف نانی با احدی می باشد (سریّه) و حر مدکور را بدین روس روایت کنند که رید بدیشان فرمود انتراون من فاطمة نثرتم امرنا نثرکم الله پس از آن سعد نثریه موسوم گردیدند از این قصه معلوم می شود که نثریه علاوه بر حضرت امیر المؤمنین ع

دوستدار ابوبکر و عمر پیر بوده و بهمین جهت نظر بعضی از اهل تریقه عسارت از دیدیه عاقله است و رجوع بخارودنه هم نمایند و بقول بعضی تریقه اصحاب کثیرالوفا حسن بن ابی صالح اشرالید بوده و ایشان بحسب ولایت حضرت علی علیه السلام دعوت نمودند ، اخیراً ولایت آن حضرت را با ولایت ابوبکر و عمر خلط کرده و هر سه را امام دانستند ، بعض عثمان و طلحه و زبیر و عایشه بوده و خروج امامت را حق انحصاری اولاد علی ع میدانند و هر کس را که از ایشان خروج کند امامش بشمارند

### ریلعی

عبدالله بن یوسف بن محمد ریلعی قاهری حنفی ، مکنی نابواحمد ،  
**ر یلعی**  
 ملقب بحمال الدین ، از علمای حنفیه قرن هشتم هجرت و مؤلف  
 کتاب تخریح احادیث انکشاف و تخریح احادیث الهدایة و غیر آنها بوده و در سال هفتصد و شصت  
 و دوم هجرت درگذشت (ص ۹۸۷ مط)

عثمان بن علی بن محمد - ریلعی ، مکنی نابومحمد ، ملقب  
**ر یلعی**  
 ببحرال دین ، از علمای حنفیه اوائل قرن هشتم هجرت میباشد  
 که در سال ۷۰۵ ه و قاهره رفته بصوبی و تدریس و شرفقه حنفی پرداخت تا سال ۷۱۳ ه  
 قمری در مصر درگذشته و در قراهه صعری مصر مدفون شد و کتاب تهذیب الحقائق علی کمرالدقائق  
 که در قاهره چاپ شده از او است (ص ۹۸۸ مط)

لقب حسین بن سلیمان میباشد و شرح حالش موکول بکتب رحا ایداست  
**ر ی ن آ نادی**  
 عبدالله بن احمد ، سیف الدینی ، محمد بن سنان و غیر ایشان مراجعه  
**ر یسی**  
 بعلم رحال شود

احمد بن عبدالدائم - بعوان ابن عبدالدائم در باب کسی خواهد آمد **ر ی ن الدین**

۱- ریلع - مسوب است بریلع (برورن حندر) که بنوسه مرصده کوهی است از ولایت  
 سودان در طرف حبه و آن دهبی است در ساحل دریا

ظاهر بن حسن بن عمر بن حسن بن حسن - حلبی مکتبی نابوالعز،  
ری‌الدین معروف ناس‌حیب، ادیبی است فاضل و از تألیفات او است

۱- ذیل درة الاسلاک که کتاب درة الاسلاک یدرس بدرالدین حسن بن عمر را تا سال  
۸۰۲ هـ ق دیلی نوشته است ۲- مختصر المنار در اصول فقه و هر دو در قاهره چاپ شده است  
وی سال هشتصد و هشت هجرت در قاهره درگذشت (ص ۲۵ مط)

عبدالرحمن بن احمد - بعنوان حمیدی نگارش یافته است

ری‌الدین

عبدالرحمن بن یوسف - بعنوان اجمهوری نگارش دادیم

ری‌الدین

علی - بعنوان ابوبکر نایب‌دی در باب کسی خواهد آمد

ری‌الدین

بن علی بن احمد - بعنوان شهید نابی خواهد آمد

ری‌الدین

علی بن حارث - حارثی، بعنوان ابن حارث در باب کسی خواهد آمد

ری‌الدین

علی بن سلیمان بن درویش - بحرانی، از افاضل علما و محدثین

ری‌الدین

امامیة قرن یازدهم هجرت میباشد که از کثرت ممارست بعلم حدیث،

در دیار عجم نام الحدیث شهرت یافت، بدستین کسی است که آن علم شریف را در بحر بن

شر داد، بدو واسطه از مشایخ روایت شیخ یوسف صاحب حدائق بوده و از تألیفات او است

۱- حاشیه استنصار ۲- حاشیه تهذیب الاحکام سیح طوسی ۳- حاشیه مختصر

نافع محقق وی سال یکهزار و شصت و چهارم هجرت وفات یافت

(ص ۳۸۸ مس و مواضع مبرقه از دریعة)

علی بن عبدالجلیل - بعنوان بیاضی مذکور داشتیم

ری‌الدین

بن علی بن محمد بن حسن - بن شهید ثانی، جمعی عاملی که گاهی

ری‌الدین

او نیز مثل مدرس و دیگر اسماط شهید نابی سبط‌السهید موصوف

میشود، عالمی است فاضل صالح و از معاصرین شیخ حرّ عاملی (متوفی سال ۱۱۰۳ هـ

قمری) بوده و از پدر خود شیخ علی سبط‌السهید صاحب درّ مسور و دیگر اکابر وقت تحصیل

مراتب علمیّه نمود سال وفات و دیگر مسخّصات بدست بیامد (ملل و عبره)

ر بن الدین علی بن مسعود - در ضمن شرح حال پسرش امین الدین محمد مدکور شد

ر بن الدین علی بن یوس - بیاضی بعنوان بیاضی مدکور داشتیم

ر بن الدین شیخ علی نقی - بن شیخ ابوالعلاء محمد هاشم بعنوان نقی حواهد آمد

ر بن الدین عمر بن محمد - بعنوان ابن الرری در باب کسی حواهد آمد

ر بن الدین محمد بن ابی نکر - شمس الدین بن عبدالقادر حمی راری، ملقب

بر بن الدین ، از علمای قرن هشتم حمیّه میباشد که سال ۷۶۸ هـ

قمری در قید حیات بوده و اربالیفات او است

۱- امورح حلیل فی اسئله و احوته من عرائب التریل ۲- الذهب الانریر فی تفسیر

الکتب العربی ۳- روضة المصاحة در علم سان ۴- شرح مقامات التحریری که یک نسخه از آن

در حرانۀ سموریه و دو نسخه سر در دارالکتب المصریه موجود است ۵- مختار الصحاح

در بلخ حصص صحاح جوهری که مکرر چاپ شده است و سال وفاتش مصوط نیست

(ص ۹۱۷ مط وعره)

محمد حافی - مکئی نابوکر ، ملقب برین الدین ، موصوف

ر بن الدین

حافی ، از مشایخ عرفا میباشد، طریقت ربیّه ارشع حلویّه ندو

مسنوب است وی سال هشتصد و سی و هفت هجرت درگذشتند و عبداللطیف فدسی

حلیفه اش گردید (ص ۳۵۷ ج ۳ فع)

بن محمد بن حسن - بن شهید ثانی، نوه صاحب معالم بوده و گاهی

ر بن الدین

او بیر میل بدرس و دیگر اسماط شهید ثانی سبط الشهد موصوف

میباشد عالمی است عامل فاضل کامل عابد راهد محقق مدقق شاعر ادب مشی، جامع

علوم عقلیّه و نقلیّه ، سار حلیل القدر والمرة از علمای امامت فرس یاردهم هجرت

که از بلامده سیح نهائی ، ملام محمد امین استرآ نادی ، بدر خود سیح محمد سبط الشهد

آبی الرحمة و حمعی دیگر از علمای عرب و عجم بوده و از اساسد و متابع سیح حرّ

عاملی صاحب وسائل میباشد بحسب در بلاد خود (حیل عامل) از یدر و بلامده بدر و

حدّش بحصیل مراتب عامتد نمود ، سس بلاد عجم رفته و در اصفهان نفراشت و استماع

مصنعات شیخ بهائی و دیگر وظائف علمیّه پرداخت ، ریاضیات و دیگر علوم متداوله را از شیخ بهائی و دیگر اکابر وقت احوذ نمود، مورد احترامات آن شیخ حلیل بود، اخیراً بمکه رفته و سال ۱۰۶۲ یا ۱۰۶۴ هـ قمری در آن حرم الهی برحمت ابدی بایل شد و با موافق آنچه از کتاب درّ مشور برادرش شیخ علی بن محمد بن حسن سبطالشهید آتی الرحمة (که البته در این موضوع اصرار است) نقل شده اخیراً از مکّه بیر سالادحود مراجعت کرد و سال ۱۰۷۴ هـ قمری در آنجا وفات یافت و برادرش شیخ علی بن محمد بن حسن در حق او مرثیه‌ای گفته که تحت عنوان سبطالشهید شیخ علی مدکور خواهد شد بهر حال شیخ ربیع الدین ، فوائد و حواشی متفرقه بسیاری دارد که تدوین نشده و رحوف شهرت و کثرت احتیاطی که داشته کتاب مدوّنی بآلیف نداده و میگفته است متأخرین ألیفات بسیاری کرده اند که بحظاها و لغزشهای زیادی مشتمل میباشد که منتهی بقبل جماعتی گردیده است عفا الله عما و عیهم باری از اشعار طریقه او است

ان حمت عهدی ان قلنی لم یحی  
عهد الحیب و ان اطال حمائه  
لکنه یسدی السلو تحلدا  
حدرا من الواشی و یحیی دانه

انصاً

کمدا اواری الحوی والسعم یدیه  
و احسن الذمغ والاشواق تحریه  
شات دوانک آمالی وما بحت  
و لیل هحرک ما شات نواصیه  
(مئل وسطر ۲۶ ص ۲۹۸ ت)

- |                                                               |            |
|---------------------------------------------------------------|------------|
| محمد بن علی - شهر آشوب بعنوان ابن شهر آشوب در باب کی          | ربیع الدین |
| خواهد آمد                                                     |            |
| محمد بن قاسم - امامی بعنوان بررهی شیخ ربیع الدین مدکور افتاد  | ربیع الدین |
| محمد بن قاسم - عامی بعنوان نقالی نگارش دادیم                  | ربیع الدین |
| محمد بن محمد بن محمد - بعنوان عرالی خواهد آمد                 | ربیع الدین |
| محمد بن محمد بن محمود - بعنوان ابن الشحمة در باب کی خواهد آمد | ربیع الدین |
| محمد بن موسی - بعنوان حارمی نگارش یافته است                   | ربیع الدین |

زین الدین یحیی بن عبدالعظی - بعنوان ابن معط در باب کسی خواهد آمد

زین العابدین جعفر بن حسن - بعنوان بر ریحی نگارش دادیم

زین العابدین شیخ علی بن هلال - بعنوان حرائری نگاشته آمد

زین العرب دختر ناح الدین عبدالرحمن بن عمر بن حسن بن عبدالله سلمی دمشقی ، از مشاهیر محدثات سوان میباشد که از کتب حدیث ،

کتاب الاربعین الساعیات عبدالمعصم فراری را برد ناح الدین فرطی درس خواند ، سپس همان کتاب را حمدین بار تدریس نمود ، از حدی ارمشایح وقت احاره گرفته و محذوطات بسیاری داشته است در سال ۶۵۸ ه ق شوهرش کمال الدین عماد که از اعیان آن زمان بوده در گذشت ، بعد از آن دیگر شوهر نگرفته و محاور مکه معظمه شد و شیخه رباط الحرمین گردید تا در اوائل سال ۷۰۴ ه قمری در هفتاد و شش سالگی در گذشت (ص ۱۹ ح ۲ حرّات حسان)

زین المشایح محمد بن ابی القاسم بن ناصحونک - نقالی حواری می نحوی لعوی

فقیه حدلی معانی بیانی ، ملقب بر زین المشایح ، از ائمه ادب ، مراجع لغت عرب ، از تلامذه رمحشری بوده و لغت و فنون اعراب و ادبیات را از وی یاد گرفته و از تألیفات او است

- ۱- آفات الکذب ۲- ادکار الصلوة ۳- الاعصاب فی الاعراب ۴- المراحم نلسان
- الاعاجم ۵- تهنیوم اللسان در نحو ۶- التسیه علی اعجاز القرآن ۷- جمع التماریق ۸- شرح
- اسماء الله الحسی ۹- الفتاوی ۱۰- معراج التبریل ۱۱- مسائل العرب ۱۲- الهدایة
- فی المعانی والبیان و غیر اینها و در سال پانصد و شصت و دووم با هفتاد و ششم هجری در
- بلخ وفات یافت نگارنده گوید دور بیست که صاحب بر حمله همان ابوالفضل محمد بن
- قاسم باشد که بعنوان نقالی مذکور شد داشتیم
- (ص ۷۵۲ ت و ۵ ح ۱۹ حم و ۱۶۱ فوائده الهیة)

ر سوانادی احمد بن علی بن احمد و علی بن زرنگم و غیرهما میباشد که شرح حال ایشان موقوف بر علم رجال است

سید محمد بن سید احمد بن زین الدین - حسنی حسینی بغدادی

ر نسی

بحفی، معروف بریسی، اراکثر علمای امامیه اوائل قرن سیردهم

هجرت میباشد که در سال هرات و دو بیست و شادردهم هجری قمری وفات یافت و تفسیری

بر قرآن نوشته که تفسیر بریسی معروف است (ص ۲۵۷ ح ۴ در بیعة)

احمد بن زسی بن احمد دحلان - مکی شیخ الاسلام شافعی، مفتی

ر نسی دحلان

مکه معظمه بود که تأسیس مطبعه در آن ارض اودس با نظارت

وی صورت گرفت، بعضی از تألیفات خود را در آن مطبعه نشر داده و آنها بسیار است

۱- الارهار الریسة فی شرح متن الالفه ۲- اسی المطالب فی بحاة ابیطالب ۳- تاریخ

الدول الاسلامیه بالحد اول المرصیه و اس هرینه در فاهره چاپ سده اس ۴- تفریب الاصول

لتسهیل الوصول الی معرفة الرب والرسول در بصوف ۵- تفسیر العاقلین مختصر منهاج العابدین

در مواعظ ۶- خلاصة الکلام فی مسائل امراء البلد الحرام که در مکه و فاهره چاپ سده اس

۷- الدرر النسیة فی الرد علی الوهابة ۸- السرة السویة والاثار المحمدیه و این هر دو در فاهره

چاپ سده اس ۹- شرح الاحرومیة که در مکه و فاهره چاپ سده اس ۱۰- الفتح المبین

فی فصائل الحلمااء الراشدین و اهل البیت الطاهرین که در فاهره چاپ سده ۱۱- الفتوحات الاسلامیه

عند مصی الفتوحات السویة در مکه چاپ سده ۱۲- مهل العطسان علی فتح الرحمن فی تحوید المرآة

در فاهره چاپ سده و غیر آنها ر نسی دحلان سال هرات و سیصد و چهارم هجرت در هفتاد

و دو سالگی در گذشت (ص ۹۹ مط و عمره)

از سبب حلوییه از فرق صوفیه میباشد که برین الدین محمد

ر نسیه

حافی سالف الترحمة منسوب هستند

اول آن حرف (ر) سه نقطه بوده و لقب احمد بن ابوالحسن میباشد

ژنده نسل

که بعنوان حافی مذکورس داستیم



## باب «س»

(بی نقطه)

سائح دارم بن قبیصه - که شرح حالس موکول نکب و حالیه است  
علی بن ابی نکر بن علی - هروی الاصل، موصلی المولد، حلّی الافامه،  
ابوالحسن الکیه ، سائح یا سیاح الشهرة، تا آنجا که امکان داشته  
در بر و بحر و کوه و دشت و صحرا و بیابان سیاحت ها کرد ، جمعی کبیر از اکابر هر دیار  
را دید ، بهر جا که معرفت حیری بحط خودش در دیوار میبوشت این حلکان گوید در  
هر شهری که رفتیم با اینکه سیار بوده حط او را دیدیم عاقبت بهمین صفت شهرت بی نهایت  
یافته و صرب المتل گردید جمع بن شمس الحلافة در مدینهت کسبیکه بواسطه کاعدنوسی  
سیار از مردم طب صله و حایره میکرده گفته و بهمین صفت علی بن ابی نکر سائح اشاره  
نموده است

علی اتعاق معان واحلاوی روی

اوراق کدینه فی ست کل فتی

کانه حط دالک السائح الهروی

فدطین الارص من سهل ومن حبل

سائح در علم سیمیا بصر بنی سرا داست و بهمین جهت برد ملک ظاهر صاحب حاب  
تقرّب یافته وار تألیفات او است

۱- الاشارات فی معرفه الریارات ۲- الحطب الهرویه و غیرها در دهه دوم رمضان

ششصد و یازدهم هجرت در حبل وفات یافت و در گوشه مدرسه حلب که ملک ظاهر برای

(ص ۳۷۷ ح ۱ کا)

او تأسیس داده بوده مدفون گردید

علی بن محمد - عاوی ، مکنی نابو بکر ، از احفاد حضرت امام

سائح

حسن محتبی میباشد که در کیمیا بصیر بود، از سم سلطان همیشه

از شهری شهری میرفت بهمین جهت سائیح و سیاح شهرت یافته و از آثار قلمی او است  
 ۱- الاصول ۲- الحجر الظاهر ۳- الظاهر الحمی رمان وفات و مشخص دیگری  
 بدست بیامد ، لکن پیش از سال ۳۸۵ هـ ق که سال وفات ابن الندیم میباشد بوده است  
 (فهرست ابن الندیم)

لعب سعید ابوحالد و سعید بن بیان میباشد و شرح حال ایشان  
 موکول بر حال است

## سائق الحاح

از شعرای ایران میباشد که در اصل از اهالی ری بود ، اکثر عمر  
 خود را در بهاولپور و همدان گذرانید ، سیار با وحد و حال و

## سائل

خود پسند بود ، سال نهد و چهارم هجرت در برد وفات یافته و از او است

کدام شب که رهجو بو حوون نمی گریم  
 کدام روز که از شب فرون نمی گریم  
 اسم و مشخص دیگریش بدست بیامد  
 (ص ۲۵۲۹ ج ۴ ص)

علی بن سونید ، محمد بن ربیع و بعضی دیگر و شرح حالشان  
 در علم رجال میباشد و دست آن شهر نامه نامی است در قرب مدینه

## سائی

در اصطلاح رحالی اسحق بن عمار بن موسی ، صباح بن موسی ،

## ساناطی

عمار بن موسی ، عمرو بن سعید ، قیس بن موسی ، محمد بن

حکیم ، محمد بن عمر و بعضی دیگر بوده و شرح حال ایشان موکول بدان علم سر نه  
 میباشد ساناط دیهی است در مداین و شهری است در ماوراءالنهر ده فرسخی محمد

لعب محمد بن عدده حناحه در بعضی نسخ است ، لکن بنا بر نسخ

## سائری

مشهوره سائوری است و تحقیق مراب موکول بکتاب رحالیه است

احمد بن محمد بن علی بن عبدالقادر - عراقی حدادی دمشقی شافعی ،

## سائق

معروف سائق ، ادسی است فاضل ، شاعر ماهر ، مؤلف کتاب

محصراتان که کتاب اتقان سیوطی را بلخیص کرده و اشعار بحر سائری هم گفته سال

هرار و صد و شصت و یک هجرت در گدسته و در فرستان باب الصعیر مدفون است

(ص ۱۸۱ سلك الدرر)

- سابق الحاح** سعید بن بیان - عنوان ابو حنیفه در باب کسی خواهد آمد
- سابقین** در اصطلاح رحالی و علمای امامیه کسانی هستند که بحضرت امیرالمؤمنین ع رجوع کردند و ایشان ابوالهیتم بن بیهان، حابر بن عبدالله و حمعی دیگر میباشد که در کتب رحالیّه مذکور هستند
- سائوری** رجوع سائری نماید
- ساسی** در اصطلاح رحالی لقب رحیله بن بعلنه و موکول بدان علم است محمود - ملقب بصوت، مشهور بساعاتی، از شعرای عرب اواخر قرن سیزدهم هجری میباشد که در سنن و نظم مبرور بود، با ادبای عصر خود مناظرایی داشت، دیوان شعر او که دیوان ساعانی و دیوان بصوت هم گویند در عصر حایب شده است وی در هزار و دوویست و بود و هشت هجرت در پنجاه و نه سالگی در گذشت (ص ۹۹۶ مط)
- ساعدی** در اصطلاح رحالی لقب اسعد بن یربوع، اسید بن ابی اسید، نامت بن صهیب، نقب بن فروه، حارب بن ریاد، سعد بن سعد، قره و غیر ایشان میباشد و شرح حال ایشان موکول بدان علم است
- ساعر** حاج شیخ محمد - شیرازی، از اکابر عامای قرن سیزدهم هجری سیرار و از معاصرین رضاقلی خان هدایت (موقوفی در حدود سال ۱۲۹۰ ه قمری) میباشد که مشرب عرفان داست، بسیار لطیفه گوی و نکتہ پرداز بود، لطیفه های او مشهور است، بروری مقدر فایع و بسیار با کمال و بیکو حصال بود، قصیده و عرل خوب می گفت و ساعر تجلّص می کرده وار او است
- گر برت صدق دل عرصه دهی بیار را  
گرچه برای سدگی ساکن مسخدم ولی  
ای سوی کعبه ره سر، بین نکحاست روی دل  
سال وفاس بدست بیامد
- ندکه بررق در حرم جاوه دهی نماز را  
سدگی حدای کو سده حرص و آرز را  
ساد مشوکد هم می فافله حصار را  
(ص ۴۵۳ ریاض الناقص)

ساعری  
 اُر شعرای ایران ، معاصر حامی (متوفی سال ۸۹۸ هـ قمری) و اشعارش حالی از لطافت بود، بهمین جهت حامی بیر لطایفی در حق او گفته است در سینه الشعراء گوید ساعری از ولایت ساعر، در سلك شعرای دولی مسلك ، بسیار متمول و در عین حال همسك و سگ چشم بود ، اینك موقعی كه حامی مسافرت حج می نموده و ساعری و ویسی (كه او بیر بسیار همسك بوده) باهم بصمیم همسری با وی داده بودند در اثر آن صحت ردیله ، ویسی سباهه بی مرکی و ساعری بیر سباهای دیگر از آن عرمت مصرف گردیدند ، امیر سهیلی در این موضوع گوید

ویسی و ساعری بعزم حرم      گشته بودند هردوشان سهری  
 لیک از آن راه هردو واماندند      این يك از بی حری و آن رحری

از اشعار خود ساعری است

با شنیدم كه توان لعل ترا جان گفتن      آنشی در دلم افتاد كه نتوان گفتن  
 ساعری از حامی احاره خواست كه این شعر او را بجهت شهرت او در حارسو بیاورند  
 حامی گفت خودت را بیر برد شعرت بیاورند با قائل شعر معلوم بر باشد ساعری از این  
 بحقیر دلتنگ شده و بعیت و بدگوئی حامی آغار كرد پس حامی این شعر را بدو فرستاد  
 ساعری میگفت در داں این معانی برده اند      هر كجا در شعر من معنای رنگین دیده اند  
 سر سر اشعار او دیدم یکی معنی نداشت      راست می گف ای سكه معنی هاشرا در دیده اند  
 ساعری برد حامی شتافته و سبای فریادگداشت ، حامی بعد از بسم گفت من لفظ ساعری  
 گفته ام (كه حرف اول آن شین نقطه دار و سوم آن عین بی نقطه است) لکن كانب بعلط رفته و  
 با طرفای شهر بصحیف داده و ساعری بوشه اند باری اسم و سال وفات ساعری بدست بیامد  
 (ص ۲۴۸۳ ح ۴ س و ۲۷۹ سینه الشعراء وعره)

میرزا شاه حسین- از شعرای فرس میباشد بحسب کار معماری داشت،

ساقی  
 اخیراً دخیل اموردولی گردید، در زمان شاه اسمعیل (۹۰۶-۹۳۰ هـ

قمری) بوردارت رسید ، عاقبت بدست یکی از ارادل مقتول گردید و او است

ار ما وتو يك كدام ناچار بی مهر و وفاست یا تو یا من

رمان وفات و مشخص دیگری بدست نیامد (ص ۲۴۸۷ ح ۴ س)

حاجی محمدزمان - حراسانی ، پسر کنگعلی خان حالیر کلاتی، ار

ساقی

اکابر عرفا و اهل حال بود، ارحوانی بطاعات و عبادات و ریاضات

و مطالعه احادیث دسیه میرداحت و اربالیفات او است

۱- الهی نامه که در فقره دلیل مذکور است ۲- درج الالائی و برج المعالی ۳- دیوان شعر

که تماماً در مدح حضرت حیرالشیر و ائمه اثنی عشر علیهم الصلوٰة والسلام بوده و

برقصائد و عربیات و ترحیفات و مرثیاتی و دو مثنوی الهی نامه و ساقی نامه مستمل میباشد

۴- ساقی نامه که مذکور شد ۵- نجات عیبیه ساقی یا رصاقلی خان هدایت معاصر بود و

و از اشعار او است که در مدح حضرت رصاع گفته است

در آن صحیفه که دگر الرصا نگاشته اند رصای دوست ترک رصای خویش است

امام خان جهان است و روح عالمیان کد آسمان و رمیس مثال پیرهن است

ولای اهل ولا رهما است در هر حال بعیر اهل ولا هر که هست راهران است

سای اهل مقامات بی خودیسی است نشان مردم آراد ترک ما و من است

مصاب سو و تمجید ساقی مسکین بهای یوسف مصر و کلاف پررر است

ساقی سال هزار و دوست و هشتاد و شش هجرت در هشتاد و شش سالگی در گذشت

(ص ۱۹۵ ح ۲ مع)

ساکب حسن بن احمد - مصطاح رحال بوده و موکول بدان علم است

مرورا علامر صا - شیرازی، دراواذل قرن چهاردهم هجری قمری

ساکب

ار شعرا و خوشنویسان شیراز و در زمان تألیف آثار عجم (که سال

۱۳۱۳ هجری قمری حاتم یافته) در قید حیات بود، خط استعلیق را با سبک مخصوصی میگاشت،

شعر خوب می گفته و ساکت بخلص میمود و از او است

در فصل بهار با یکی حور سرشت يك شیشه می طرف حوی و لب کشت

بهر بود ارکوثر و ار هشت بهشت  
 رمان وفاتش بدست نیامد

این عشرت را شاید از دست بهشت

(ص ۵۴۵ عم)

## سالار

بن عبدالعزیز - بعنوان سالار (ناشدید لام) خواهد آمد

## سالك قروي سي

محمد ابراهيم - از شعرای اواخر قرن یازدهم هجرت میباشد که

بملاسالک معروف و شاعری بوده پاک طیت و حوس سلیعه و

بیکواندیشه ، وقتی ناصه‌ها رفته نامعاصر خود میرزا محمد ظاهر مؤلف تذکره بصرآبادی  
 ملافات کرد و در همان اوقات بهسد رفته با طالب کلیم دیدار نمود ، عاقبت بار قروین  
 برگشته وهم در آنجا درگذشت در ایام بیماری دوازده تومان و طیفه دولی برای او مقرر  
 شد لکن قبول نکرده و در پاسخ گفت که ما و طیفه از آن طرف گرفتیم ، دیگر محتاج اس  
 و طیفه نیستیم و از او است

همت بر حسته از سنگ علائق فارغ است  
 سال وفاتش بدست نیامد

حار تواند گرس دامن کوناه را

(ص ۳۷۷ تذکره بصرآبادی)

## سالك قروي سي

سر از شعرای اواخر قرن یازدهم هجری قمری میباشد که اوهم

بملاسالک معروف بود، مدنی در شیراز شاه رنگ میکرد، در

لباس درویشان ناصه‌ها و سار مدنی بهسد رفت ، در خدمت عبدالله قطب شاه هندی  
 (۱۰۶۶-۱۰۸۵ ه قمری) بوده و احراً در ساه جهان آباد درگذشت و از او است

در حور حرح بود دحل ر دیوان قصا  
 سرود تا نفسی کسی نفسی میآید

رمان هرره در ایان توان سومی مست  
 که سده سرمه حاموسی حرس ناسد

نام و سال وفات و دیگر مشخصات بدست نیامد  
 (ص ۳۹ تذکره بصرآبادی)

## سالمی

در اصطلاح رحالی ، رفاعة بن عمرو حر رحی است و رجوع

ندان علم شود

سند سر را علی بهی - ملقب سامان ، از علمای اوائل قرن دوازدهم

## سامان

هجرت میباشد که قرب بصر محاسنی (منوفی سال ۱۱۱۱ ه قمری)

بود، فتاوی او در حاشیه سؤال و جواب مجلسی مذکور نگارش نافه وارتالیفات او است

حاشیه اثبات الرحمة تألیف میر محمد مؤمن بن دست محمد که سال ۱۰۸۸ هـ

قمری در بیت الله مقتول شده است و سال وفات خود سامان بدست پیامد

(ص ۹ ح ۶ دریعة)

میر محمد ناصر - ار شعرای هندوستان ار اهالی نلدۀ خو پور و ار

سامان

اشعار او است

هرگر مرا دماغ سؤال و جواب بیست ای مکر و بکیر بحالم چه محسراست

در سال هرات و نکصد و چهل و هفت هجری قمری مقتول شد (ص ۷ ح ۲۵ ح ۳۴)

میرداحس - شیرازی ، یسر قآآبی معروف ، ار فصلائی او احر

سامانی

قرن سیردهم هجرت میباشد که در حساب و هندسه و حکمت

طبیعی و لغت فراسه دستی توانا داشت ، قریحه شعریه اش بیر دمتار بود، در سال هرات

و دو بیست و هشتاد و پنج هجری قمری درگذشته و ار او است

نار ر سوی گلستان ناد بهار میرسد نوحه نافه نت یار تبار میرسد

ناد بهار گویی ار طره یار میرسد لخلحه سایی میورد عالی دبار میرسد

ار بر ساحسارها نعمة سار میرسد ور سر سرو دمدم صوت هرات میرسد

هم حو نعلق حوش ودان ناله رار رار من

بلکان نگلستان ، نعمة سرای آمده نعمة شان ر لوح دل ، رنگ ردای آمده

طوطیکان ساع در ، سر فمای آمده صاصلکان سراع در ، گرم نوای آمده

در گوش ار نواسان ، ناله نای آمده فمرنگان حو مطربان نای نای آمده

گاه سده کمانه کش گاه سده جعاند رن

(ص ۳ ح ۲ مع)

عاری بن احمد - مصطلح رحال است و رجوع بدان علم سود

سامانی

سند امام علی شاه - حسنی حسینی سامری نقسندی محدودی ، ار

سامری

اکابر عرفای او احر قرن سیردهم هجری میباشد که سلسله طریقت

وی باشش واسطه شیخ احمد نقشبندی محدّد الف نابی موصول و کرامت های بسیاری بدو منسوب دارند وی از زمان طهولیت و جوانی ریاضت های بسیاری کشید، در تحصیل علوم طاهری و باطنی اهتمام تمام بکار برد، در علم تفسیر و حدیث و اصول فقه یگانه زمان خود بود، بعد از وفات پیرش شاه حسین بمقام ارشاد و مشیخت بسست، سی سال او آخر عمر خود را در اصلاح اخلاق و هدایت طریقت مردم مصروف داشت تا سال یکهزار و دو بیست و هشتاد و دو بمحرمی در هفتاد سالگی درگذشت و علام سرور هندی در تاریخ ولادت و وفاتش گوید

نقشبند دل امام الاولیاء	راهد دیس سیند والامقام
سال مولودش عربی آمد عیان	بار سرور گفت حورشید انام
رحلتش منطور مولی کن رقم	هم بحوان مرد خدا عاری امام
س چراغ حلم گو و تاریخ او	حتم کن سرور و صالحش والسلام

(ص ۷۱۰ ح ۱ حرمة الاصفاء)

سام میرزا - پسر شاه اسمعیل صفوی اوّل و برادر شاه طهماسب  
 سامی که در فنون شعر و اشا مهارتی سرا داشت، کتاب **تحفة سامی** که  
 بدکرة شعرا میباشد از او است، در سال بهصدوسی و بیستم هجرت از طرف برادرش بحکومت  
 خراسان منسوب و در آن انا درگذشت و از اشعار او است

ناوس سگ یار بگویم هوسم بیست      دردل هوسم هست ولی دسترسم بیست  
 (ص ۱۲ ۲۵ ح ۴ س)

حواحه عبدالله - آنا و احدادش از ابراک کوهبایه بود، خودش  
 در لاهور هند متولد شد، در شاه جهان آباد ریسته و در شماره  
 شعرای نامی هندوستان میباشد و از او است

۱- کلمة عربی با حساب انجمنی = ۱۲۱۲    حمله حورشید انام = ۱۲۱۲    حمله  
 منطور مولی = ۱۲۸۲    حمله مرد خدا عاری امام = ۱۲۸۲    حمله چراغ حلم = ۱۲۸۲



مددی کرد پس از مرگ سیه بختی ما      سرمه گردیدم و در چشم سیاهش رفتم  
سال هزار و صد و پانزدهم هجری قمری درگذشت      (ص ۲۵۱۲ ح ۴ س)

لطیفعلی نیک - ارشعرای ایران میباشد که در اصل از امرای چرکس  
سامی      بوده و از اشعار او است

رفتار آورد چون نار آن سرو حرامان را      رفتن نار میدارد بحالت آب حیوان را  
بگاهت بر سر نار است نار امروز میترسم      که برگرداند از قتل من آن برگشته مژگان را  
رمان وفات و مشخصات دیگرش بدست بیامد      (ص ۲۵۱۲ ح ۴ س)

نصیرالدین - ارشعرای قزوین بوده و در سال نهصد و پنجاه و ششم  
سامی      هجرت درگذشت و از اشعار او است

سحر کم بهمه حار بیوفائی او      که ناکسی نکند میل آشنائی او  
مشخص دیگری بدست بیامد      (ص ۲۵۱۲ ح ۴ س)

بیشابوری - از شعرای حراسان میباشد که از زمان سلطان حسین  
سامی      بایقرا تا عهد شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ هجری قمری) در شعر

و ادب شهره بلاد حراسان بوده و از او است  
دیدم را گفتم که در رویش نگستاحی مین      گفت گستاحی باشد عین مشتاقی است این  
رمان وفات و مشخص دیگری بدست بیامد      (ص ۲۵۱۲ ح ۴ س)

### ساوچی

حاجی میرزا ابوالفضل - ادیب فائق و طیب خادق بود، در تهران  
ساوچی      در تحصیل علوم مسوعه رنجها کشید، در اکثر علوم و صنایع حطی

۱- ساوچی - بفتح وا ، منسوب است ساوح (مغرب ساوه) و آن شهری است در حدود  
ده هرسجی قم که ابار آن ممتاز و مشهور هر دیار است در مراد گوید ساوه شهری است ریما  
مابین ری و همدان که مردمانش سی شافعی بوده و در دهر سحی آن شهری است دیگر موسوم  
تاوه که اهالی آن شعه امامی هستند نگارنده گوید که این در زمان قدیم بوده والا در زمان  
ما تمامی مردمانش شعه امامی اثنی عشری میباشد

وافر داشت ، بخصوص درهون حظ تالی خوشویسان سلف و حلف و در حکمت الهی و طبعی مسلم افاضل زمان خود بود ، بالاحص در حظ بستعلیق حلی بسیار ممتاز و تمامی کلبه‌های در الماسیة تهران و حضرت عبدالعظیم و مواضع مهیمة عمارات سلطنتی ناحط او است ، گاهی شعر نیز میگفته و از او است

بگردون بر آزاری بر آمد خوش خوش اردریا      ر دریا سوی صحرا کرد ر بران لؤلؤ لالا  
 نوشیدند برگلس مگر از یر بیان حمامه      بگستردند درستان مگر از ششدری دیبا  
 بهویی هر چه اندر راع حوی بی ناهه      سویی هر چه اندر باع بوئی بصری و میبا

سال ۱۳۱۲ هـ قمری (عشیرت) در حدود شصت و دو سالگی درگذشت

(مع وح ۱ مه وعره)

سلمان ملقب بحمال الدین و حواحه جمال الدین ، پسر حواحه

### ساحی

علاء الدین ، از نامداران شعرای ایرانی میباشد که هم‌اکنون نام

خود ، سلمان بخلص میکرد ، مانند پدران خود در فن محاسبات دفتری مهارتی سرا داشت ، لکن بیشتر شعر و اشعار و فنون ادبی میپرداخته است در تمامی اقسام شعر دارای مقامی عالی و بالخصوص در قصیده و غزل بی بدل بود ، علاءالدوله سمبانی می‌گفته است که آثار سمبانی و شعر سلمان بی‌مانند بوده و در هیچ‌جا نظیری ندارد بالجملة تمامی اشعارش مقبول و نوادر و لطائف بسیاری از وی منقول و از بعضی از آنها محبت خانواده طهارت و آل رسول ع ظاهر و هویدا است ، عاقبت از مولد خود ساوه بعد از رفت ، در دربار امیر سیح حس بررگ والی بغداد و مؤسس دولت ایلکایان و پسرش سلطان اویس بمقامی بس بلند رسید ، مدّاح آن خانواده بود ، سلطان اوس فنون شعریه را از وی فرا میگرفت گویند شی سامان در حضور سلطان مسعود طرب بود ، موقع بیرون رفتن شمعی ناگهانی رسید بحکم سلطان بهمراهش بردند ، چون روز شد خادم دربار بطلب آن لگن رفت ، سلمان این بیت را بساطان فرستاد

شمع خود سوخت شب دوس براری ، آه روز      گر لگن را طلبد شاه ر من ، میسورم

سلطان جدید و گمت از حانه شاعر طامع ، لکن در طلب کردن ، دور از عقل است ، آن لکن را بدو بخشید عاقبت بجهت ضعف ناصر ، از ملازمت دربار استعفا داده و عبادت و انزوا گذراند و معاشی فراخور حال او از عایدات دولتی ری و ساوه برای او مقرر گردید از آثار علمی او است

۱- دیوان شعر که بقصائد و غزلیات و رباعیات و مقطعات و ترکیب و برجیع سد مشتمل و دو نسخه از آن شماره های ۲۷۸ و ۳۰۳ در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید تهران موجود است ۲- مثنوی حمشید و حورشید ۳- مثنوی فراق نامه که يك نسخه از این دو مثنوی ، در کتابخانه مجلس در تهران موجود میباشد و از اشعار سلمان است

سقی الله لیلا کصدع الکواعب	شی عسریں وی و مشکین دوائب
فلک را بگوهر مرصع حواشی	هوا را بعر مستر حواب
درفش بفس سیاه حش را	روان در رکاب ارکواکب هواکب
در این حال من با فلک در شکایت	ر ریح حوادب ر حور بوائب
ر فقد مراد و حهای زمانه	ر بعد دیار و فراق صواحب
ر برویرهای جهان مرور	ر باریحه های سدر ملاعب

سلمان در سال هفتصد و سصت و نهم یا هفتاد و هشتم یا همداد و دهم هجری قمری در گذشت لکن یکی از دو بار ببح آخری افر ب صحت است ر ترا که این شعر اردیوان او نقل شده است سال هفتصد و همداد و بیح گشت حراب نآب ، حطه نعداد و حاک بر سر آب بیر در مریه سلطان اویس مذکور (متوفی سال هفتصد و هفتاد و شش) قصیده ای گفته که مطلع آن این است

ای سپهر آهسته رو کاری ند آسان کرده ای      ماک ایران را بمرک شاه ویران کرده ای  
(۵۲ مرآت الجمال و ۲۶۰۶ ج ۴ س ۱۹۹ ج ۲ مع و عبر)

ملاصالح بن ملامحمد محسن بن نظام الدین - قرشی ساوچی ، از

ساوچی

علمای امامیه عهد شاه سلطان حسن صفوی بوده و با آیات او است

۱- الحدیث الحسینی فی قطع لسان اعوان الامونه که در کتاب خود در آن را ماری رح

کرده و همین برحمتها معمعه حسسه نام کرده است ۲ - الدرّة العلویة فی الامامة ۳ - معمعه حسینیة  
که مذکور شد و با صاحب ریاض العلماء متوفی در سال هرات و صد و بیست و اند هجری  
معاصر بوده و زمان وفاتش ندست نیامد (ص ۳۷۹ ح ۶ دریمه)

ساج { لقب چند تن میباشد که بعنوان سائج و سائی (باهمه حرف  
سائی { سوم) مذکور داشتیم

سائی اینص بن جمال که یکی از احدادش سا مسوب و موکول  
بعلم رحال است

ساعی - در علمای اهل سنت اوائل قرن دوازدهم هجرت  
میباشد بعد از سی سالگی تحصیل علم پرداخت، در علوم متنوعه

تخصص یافت، کما بهائی در نحو و فقه و توحید نوشت، سال هرات و صد و یازدهم هجرت  
در استاسول در گذشته و در اسکندار دفن شد در مرصد گوید ساع (بکسر اول) نام موضعی  
است و وادی الساع هم در میان بصره و مدینه در یک فرسخی ریندیته بوده و بر که و قلعه ای دارد  
(صد و ۸۳ ح ۳ ص ۴)

## سستی

سستی احمد - مکسی بن ابوالعاس، در او اخر قرن ششم هجرت در مرآکش  
اراعلام متصوفه معرب زمین بوده، علم رایر حد (رایحه) ارقواین

صاعیته که در استجراح عیب نگر بر ند ندو مسوب است و سال وفاتش ندست نیامد  
(ص ۱۴۲ هـ)

سستی احمد بن هرون الرشید - مکسی بن ابوالعاس، از جمله رهآد و تارکین  
دیا میباشد که در حال حیات پدر، با آن همه نفوذ و اقتداری که

۱ - سستی - بفتح اول، مسوب است سنت که موضعی است بن رمله و طبریة در سه  
فرسخی بیت المقدس و گاهی مسوب سبب معنی روز سنه مناسبه حیانه در دبل ضمن شرح حال  
بعضی از معروفین بهمین عنوان (سستی) اشاره خواهد شد و ممکن است که سستی مسوب بر سنه  
باشد که آن بفر بفتح اول شهری است در حریره اندلس، از مرکز بلاد معرب زمین که کستی  
حوب در آن بسیارند (صد)

داشته دیا را برک گف ، از مردم کساره کشیده و ار همه چیر دیا قطع علاوه کرد ، فقط روزهای شسه با دستریح خود بکسب میکرد ، دیگر ایام همه را باهمین اندوخته روز شسه امرار معاش نموده و طاعت و عبادات اشتعال مییافت سستی گفتن پیر ارهمین جهت بوده است که ست عربی روز شسه را گویند و بهمان حال مسود با سال یکصد و هشتاد و چهارم هجرت در حال حیات پدر در گذشت (ص ۵۵ ح ۱ کا و ۲۵۳ ح ۴ ص)

سستی

محمد بن علی بن هانی - بعنوان حده مذکور داشتیم

محمد بن عمر بن محمد بن رشید - عمری سستی ، مکنی با بو عبداللّه ،

سستی

ملقب بمحب الدین ، ادیبی است بحوی لغوی عروصی ، تا که در

تمامی علوم متداوله متبحر بوده و از تألیفات او است

۱- ایصاح المداهب فی من یطلق علیه اسم الصاحب ۲- تحلیل الصوابین در نحو

۳- شرح التحیس و افادة التصیح فی روایة التصیح و غیر اینها رمان وفات و مشخص

دیگری بدست بیامد (سطر ۱۴ ص ۷۷ ت)

سستی

یوسف بن یحیی - بعنوان ابوالصاح در باب کسی خواهد آمد

مولوی ، از متأخرین علما و مورّحین هندوستان بوده و از

سبحان بحش

تألیفات او است

۱- تاریخ الحکما ۲- تذکرة العصر بن که سال ۱۸۴۸ م (عصمخ) در دهلی چاپ شده

و سال وفات بدست بیامد (ص ۲۵۳ ح ۴ ص)

در باب کسی ، بعنوان ابواسحق ، ابراهیم بن شهریار کاروبی

سر نوسان

رجوع سود

### سبزواری

حاج ملا اسمعیل بن محمد جعفر - یا علی اصغر واعظ سبزواری ،

سبزواری

از اکابر و عاظم امامیه اوائل قرن حاضر چهاردهم هجرت میباشد

۱- سبزواری - مسوب است سبزواری ، از اراضی خراسان که از بلاد مسهورة ایران

میشد و در اصطلاح رحالی عبارت است از حسن بن ابی علی ، حسن بن علی بن عبدالصمد ، علی

بن عبدالصمد و بعضی دیگر و شرح حال ایشان موقوف بکتب رحاله است

که سیار متنوع و کثیر الحافظة و در رشته موعظه بی نظیر بود، در چهاردهم حمادی الاولی سال هرات و سیصد و دوازدهم هجری در بهران وفات یافت و تألیفات بسیاری دارد

۱- سدایع الاحبار در مواعظ نارسی ۲- تسه المعترین فی احوال الیس اللعین  
 ۳- جامع النورین فی احوال الاناس ۴- کتاب الاناس ۵- کتاب حبت و نار ۶- کتاب الشیطان  
 که ظاهراً همان تسه المعترین است ۷- کتاب الطیور ۸- کتاب الملائکة ۹- مجمع النورین  
 در بهائم و غیر آنها (ص ۳۰۹ ح ۱۳ اعیان الشیعة و مواضع متفرقه اردریعة)

سررواری حسن بن حسین - بعنوان شیعی حواهد آمد

سررواری محمد نافر بن محمد مؤمن - بعنوان محقق سررواری حواهد آمد

سررواری حاج ملاهادی بن حاج مهدی - عالمی است عامل و حکیمی است  
 کامل اراعاظم فلاسفه و حکمای اسلامی او احرورن سیردهم هجرت



عکس حاج ملاهادی سررواری - ۲۲

که صدر متألّهین اسلام، قدوة  
 مسحّرين در حکمت و کلام،  
 در احاطه حقائق حکمت  
 بی نظیر و در استکشاف اسرار  
 و دقائق فلسفه بی عدیل بود،  
 اگر افلاطون عصرش بحوایم  
 روا و اگر ارسطوی دهرش  
 بگوئیم بها است وی در عهد  
 ناصرالدین شاه قاجار حیا  
 بود که ملاصدرا در زمان شاه  
 عباس کبیر در قسوی شعری بیر  
 سیار ماهر بود، خود را متحلّص  
 باسرار مینه و دو گاهی در

اصطلاح اهل فصل نحاحی یا حاحی سرواری بعیر نمایند خلاصهٔ ادوار زندگی آن فیلاسوف ربانی موافق آنچه ارحط خودش نقل شده آنکه در حدود هفت و هشت سالگی شروع بهجو و صرف کرد، در حدود ده سالگی پدرش بمگه رفت و هنگام مراجعت در شیراز وفات یافت، عمهٔ پدیده اش حاج ملاحسین سرواری که سالها مقیم مشهد مقدس بوده و در اروا، تغلیل عدا، احتیاب از محرمات و مکروهات، مواظت بر فرائض و نوافل مراقبت تمام داشت او را بدان ارض اقدس برد و در تمامی احلاوقاصاه مساهم و مشارکت نمود، او بر اصول و فقه و عربیات و علوم بهایه را ارحاح ملاحسین مذکور فراگرفت و با ده سال دیگر بدین مموال می گذرانید تا بحطوط و افرهٔ علمی و اخلاقی نایل آمد، پس بمرام بحصیل معقول و حکمت باصفهان رفت و هشت سال دیگر در حورهٔ درس ملا اسمعیل اصفهانی و ملاعلی بوری بحصیل فلسفه پرداخت و اساس حکمت اشراق را استوار داشت، پنج سال دیگر در حراسان بتدریس فقه و اصول و حکمت اشتغال یافت، سپس بر یارت بیت الله الحرام مشرف شد و بعد از مراجعت در سروار مشغول بتدریس حکمت گردید، اثنهی ملخصاً و ارمطاوی کلماس برمیآید که اس حمل را در حدود سال ۱۲۷۶ هـ قمری بکارش داده است حاج ملا محمد هیدحی در آخر حاشیهٔ شرح منظومه و شته است که حاج ملاحادی در سال ۱۲۱۲ هـ قمری (عرب) متولد شد، با اینکه پدرش از بحار و ملاکین سروار بوده خودش بحصیل علم و ادب رعیت نمود، بعد از آن تذکر بعضی از ادوار بحصیلات و زندگانی او پرداخته تا آنکه گوید راه معاس سرواری منحصر بیک حمت گاو و یک باعجه بود، در فصل انگور تمامی طلاب را بدانجا دعوت میکرد، از حاصل زراعت، بحست حقوق واحمه را رت مسمود، بلك ماهی را بر موضوع کرده و متدرجاً بهرا میداد، در انام عید عدیر بر بهریك از فقرای سادات بك فران و دیگر فقرا بیم فران برسم عید یانه مادمه میکرد، از کسرت شہامتی که داشه از هیچ کس حیری نمیخواست، بحف و هدایا بر اصلا قبول نمی نمود، در تمامی عمر خود ما کمال رهد و تقوی و صدق و صفا و بی آلایشی و بهات عرب نفس گذرانند، بهیح کس از اکابر واعیبا اعتنائی

نکرد ، ناصرالدین شاه در سروار بحانه اس رفته و بر روی حصیری که فرش اطاق بدریس بوده نشست ، تألیف کدابی را در اصول دین بران ناری در خواست نمود ، بعد از رفتن با صد تومان بخدمتس فرساده ، او بفر قبول نکرده نصف آن را بطلاب و نصف دیگر را بفقرای حواله داد و مقرر داشت که سادات را دو مقابل دیگران بدهند

کرامات بسیاری بسرواری منسوب دارند که شرح و سطر آنها خارج از وضع کتاب است ، لکن کرامتی بالا بر از اسر و مسح کردن نفس نموده و اساس دیگر کرامات میباشد  
وفصائله لتلك المعام

نگارنده بیک واسطه موثق از خود ناصرالدین شاه نقل میکند که آن ساه و الاحاء در اسای مسافرت اروپا در سریر برول احلال فرمود ، در موقع بازدید یکی از کار ممولین علمای آن شهر که شخص موثق بفر حاضر بوده نقل فرمودند ( بران ترکی آذربایحایی ) که در این مسافرت بفر شهری که وارد میشدیم اهالی آن شهر حسب الوطیفة استقبال میکردند ، موقع حرکت بفر مراسم مسایعت را معمول میدادند ، در سروار هم معلوم شد افراد هر طبقه و طبقه خود را معمول داشته اند ، فقط حاجی ملا هادی که استقبال سهل است دیدن ساه هم پیامدهاست بعلت اینکه او شاه و وزیر نمی ساسد ساه گویند من بسیار بسند کردم و گفتم که اگر او شاه نمیشد شاه او را میشد ، بعد از تعیین وقت زوری در حدود موقع نهار بحانه حاجی ملا هادی فقط بایکفر بيش خدمت ( به با بر تیبات و مقرری سلطنتی که اسباب رحمت اهل علم است ) رفتیم با در آنجا ناهاری هم صرف کرده باسم ، بعد از ناهاری مذاکرات مفرفه گفتم که خداوند عالم بمامی نعمتها را در حق من بکمیل فرموده و هر نعمتی سکری مناسب خود را لارم دارد حناچه سکرانه علم تدریس و ارساد عماد ، سکرانه مال دستگیری فقرا ، سکرانه قدرت و سلطنت بفر انجام حوائج آحاد مردم است ، از سما حواهنس دارم مرا خدمتی محقول فرماید که با انجام آن ادای سکران نعمت سلطنت را کرده باسم ، حاجی ، اطهار عما و بی حاجتی کرد و اصرار من مؤثر بفساد ، با آنکه من خودم بدکرش داده و گفتم بسندمام سما يك زمين رراعتی دارم حواهنس هیکنم برای



آن مالیات دولتی بدهید که اولاً باین خدمت حرثی موفق بوده باشم، آنرا باین عذر موحشی ردّ نموده و ملرم گردانید و گفت کما بجهت مالیات دولتی هرایالتی کتاً و کيفاً يك صورت قطعی گرفته که اساس آن با تعییرات حرثی برهم نمی خورد، اگر من مالیات بدهم ناچار مقدار آن سایر آحاد مردم از طرف اولیای امور سرشکن خواهد شد و ممکن است يك قسمت از آن بملان بیوه‌رو برسد و یا بریتیمی تحمیل گردد، اعلیحضرت همایونی راضی باشد که تحفیف یا معافیت مالیات من سبب تحمیل بریتیمان و بیوه‌روان باشد، علاوه دولت محارح همگفتی دارد که تأمین آن وظیفه حتمی افراد ملت است، ما با رصا و رعیت خودمان این مالیات را می دهیم

شاه گوید من گفتم که بفرمائید ناهاری بیاورند تا خدمت شما صرف طعامی هم کرده باشیم حاجی، بدون آنکه از محل خود حرکتی نکند خادم خود را امر با آوردن ناهار کرد، خادم فوراً يك طبق چوبین با نمک و دوع و چند قاشق و چند فرص نان پیش ما گذاشت، حاجی بحت آن قرصها را با کمال ادب بوسید و بررو و پیشانی گذاشت و شکرهای بسیار ارته دل بها آورد، سپس آنها را خورد کرده و توی دوع رحمت، يك قاشق بیس من گذاشته و گفت شاهها بخور که نان حلال است، رزاعت و حفت کاری آن دسترخ خودم میباشد، شاه گوید من يك قاشق صرف کردم، دیدم که خوردن آن برای من دشوار است، انك بعد از احاره، نقیه آن قرصها را بدستمالم سته و به پیش خدمت دادم که موقع مرص و کسالت یکی از افراد خانواده سلطنتی، از آن نان حلال استشفا نماید شاه بعد از این حمله گیرهائی رد و اعتراض هائی بعضی از افعال ناشایست و غیر منتظره برخی از متلبسین بلباس اهل علم نمود که فی الجملة، از معاهیم بیانات مذکوره مکشوف است و سطر آنها حندان لرومی ندارد اشهی کلام دالك الموثق ملخصاً نکهدها هست ولی محرم اسرار کما است

چنانچه اشاره شد، حاجی سرواری علاوه بر دیگر مراتب عالیة علمی و عملی و احلاق فاصله انسانی، طبعی روان و وقفادی بپرداخت، اشعار بحر و طرفه سیاری گفته